

به نام خداوند جان خرد

مرکز پژوهش‌های کاربردی

تحقق تاریخی ایران در دریای مازندران (کاسپین)

دکتر هوشنگ طالع

عبدالله مرادعلی بیگی

بهار ۱۳۸۱

پیش‌گفتار:

می‌دانیم که تمام جهانیان دریای شمالی ایران را به نام یکی از کهن‌ترین اقوام ایرانی، یعنی "کاسپی‌ها" که در زمان باستان ساکن کرانه‌های این دریا بودند، "دریای کاسپین" می‌نامند (۱). این را نیز می‌دانیم که در طول سده‌های بسیار تا به امروز نام مازندران بر این دریا بیش از هر نام دیگری به گوش فرزندان این سرزمین خوش‌آهنگ بوده است.

اما این را نمی‌دانیم چرا چند سالی است که تعدادی از نهادهای سیاسی فرهنگی و آموزشی کشور به هنگام نام بردن از این دریا، بجای نام‌های ایرانی مطرح آن در ایران و جهان، از نام جعلی و مطرود خزر استفاده می‌کنند. حال آن که در هیچ اثر تاریخی و جغرافیایی که از دوران باستان بدست ما رسیده هرگز از این دریا با نام خزر یاد نشده است.

از نوشته‌های (هکاتئوس میلیتی) (Hekataios Milesios) جغرافی‌نگار یونانی که قبل از هرودوت می‌زیست (حدود ۴۸۰_۵۴۶ ق.م) پیداست که این دریا به نام "دریای هیرکانی" (دریای گرگان) خوانده می‌شد (۲). گویا اول کس از میان مورخان باستان هرودوت بود که اثر تاریخی خود آن را "دریای کاسپین" ثبت نمود (۳).

از آن زمان تا به امروز در همه‌ی جهان این دریا با همین نام کهن ایرانی شناخته می‌شود و همه جهانیان آن را دریای کاسپین می‌نامند. در نقشه‌های جغرافیایی جهان نیز همین نام است که کاربرد علمی و عملی دارد.

اما پس از ظهور اسلام، مورخان و جغرافی‌نگاران مسلمان که به شرح احوال تاریخی اقوام ساحل‌نشین دریای شمالی ایران پرداختند، در بیان موضع و موقعیت جغرافیایی سرزمین قلمرو هر قوم، ناچار اسامی بومی هر بخش از آب‌های کرانه‌ای دریا را که از نام محل و قوم مردم ساحل‌نشین همان بخش، برگرفته بودند، در آثار خود آوردند. همان‌گونه که امروز ما به همان شیوه، اسامی محلی و بومی مصطلح میان ساحل‌نشینان در یک محدوده ساحلی را بر آب‌های کرانه‌ای آن بخش بکار می‌بریم. برای مثال می‌گوییم: دریای انزلی، دریای چمخاله، دریای رامسر و... از این رو در عصر اسلامی و در میان مسلمانان نام‌های چندی مانند: مازندران، تبرستان، آبسکون، گرگان (هیرکانیای باستان)، گیلان، دیلم، قزوین (کاسپین) و نیز خزر و غیره آن از برای این دریا پیدا شد. چنان‌که گفته شد این نام‌ها

در آثار این نویسندگان تنها معرف حوزه ی محدودی از آب های کرانه ای بود و گاه قلمرو حضور و یا اقتدار قومی را در طول ساحل مورد نظر می رسانید.

"خزر" هم یکی از همان چند نام و عنوانی بود که نویسندگان مسلمان به دلیل سکونت قومی بدین نام در استپ های مجاور کرانه های شمال غربی دریای شمالی ایران، بر آب های کرانه ی آن بخش از این دریا داده بودند. خزر هیچگاه حضوری گسترده بر گستره آب های دریای شمالی ایران نداشتند. زیرا چیرگی خوی صحرا گردی بر آنان، سبب پرهیزشان از دریا می شد. از این رو قلمرو این نام حتا در اوج اقتدار و قدرتمداری خزرها، هرگز محدوده ای فراتر از آب های کرانه ی میان دو سوی دهانه ی رود ولگا (رود اتل) تا سواحل شمال در بند (باب الابواب)، در آن سوی مرزهای ایران زمین را در بر نمی گرفت.

گذشته از آن، طول دوران حضور خزرها در بستر تاریخ هم چندان دراز نبود. آنان در سده چهارم میلادی در منطقه سفلا ی رود ولگا پیدا شدند و در سده دهم میلادی نیز به انهدام گراییدند (۴)، قبل از پیدا شدن خزرها در کناره ی رود ولگا، این سرزمین محل زیست "سکاهای آریایی" بود. در مقابل، از باستان زمان، بیشتر سواحل و آب های دریای شمالی ایران، در قلمرو تاریخی، قومی، فرهنگی، تمدنی و سرزمینی ایران قرار داشته است.

خزرها قومی وحشی، متجاوز و خون ریز بودند. اقوام سرزمین های همسایه از هجوم پی در پی آنان که برای غارتگری انجام می شد و با شقاوت و بیرحمی بسیار همراه بود، پیوسته در وحشت مرگ بسر می بردند. سرزمین های آبادان و پر نعمت ایران در قفقاز از آفت هجوم آنان بارها دستخوش ناامنی و ویرانی گسترده شده بود. در جنگ های ایران و روم در عصر خسرو پرویز، خزرها از متحدان اصلی رومیان در حمله به ایران بودند (۵). روس ها نیز برای نخستین بار در دوران خلافت عباسیان به کمک و مساعدت خزرها پای به دریای مازندران گشودند و سواحل مازندران، گیلان و اران را به باد غارت و کشتار دادند. (۶)

ایرانیان در عصر خسرو انوشیروان برای جلوگیری از یورش های خانمانسوز این قوم خون ریز، بر تنها گذرگاه طبیعی عبور این هجوم گران به سرزمین قفقاز، در حد فاصل کوه و دریا سدی محکم بستند و آن را "در بند" ساختند (۷). برخی به غلط ساختن این سد را به اسکندر گجستک نسبت می دهند و سد سکندر می خوانند. این سد که مرز ایران با انیران در آن منطقه بود، در عصر اسلامی نیز به دفعات مورد مرمت قرار گرفت و تا چند قرن کار دفاع از سرزمین های ایرانی نشین قفقاز را برای مدافعان در برابر هجوم اقوام صحرا گرد شمالی آسان می کرد.

موقعیت طبیعی

دریای مازندران (کاسپیان)، میان طول های ۳۸ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳۴ درجه ۵۴ درجه شرقی و عرض ۳۴ درجه و ۳۶ دقیقه و ۳۳ درجه و ۴۷ دقیقه شمالی و در شمال مرکزی ایران واقع است. این دریا از سوی باختر به جمهوری های اران (آذربایجان) و فدراسیون روسیه، از شمال به فدراسیون روسیه و جمهوری قزاقستان، از خاور به جمهوری قزاقستان و ترکمنستان و از جنوب به ایران محدود است.

درازای این دریا (از جنوب تا شمال) حدود ۱۲۰۰ کیلومتر و پهنای آن در پهن ترین نقطه (در شمال) ۵۵۴ کیلومتر است. بدین سان، میانگین پهنای دریای مازندران، حدود ۳۰۰ کیلومتر برآورد می شود. ژرفای این دریا در شمال بسیار کم است. به طوری که ژرفای چهار پنجم این بخش از دریای مازندران، کم تر از ۱۰ متر است. این دریا در بخش میانی ۱۷۰ تا ۷۹۰ متر عمق دارد. بخش های ژرف این دریا در قسمت جنوبی قرار دارد و عمق آن میان ۳۳۴ تا ۹۸۰ متر است. گودی متوسط این دریا ۱۸۰ متر و سطح آن با توجه به افزایش و کاهش، کما بیش ۲۶ متر پائین تر از سطح دریاها آزاد است.

در این جا، باید یادآور شد که حوزه ی جنوبی دریای مازندران با پهنای کما بیش ۱۵۶ هزار کیلومتر مربع، گر چه حدود ۳۶ درصد از مجموع وسعت این دریا را در بر می گیرد، اما گنج (حجم) آب این بخش، خیلی بیشتر از مجموع دو بخش شمالی و میانی است.

پیرامون دریای مازندران (بدون در نظر گرفتن جزیره ها) کما بیش ۶۴۰۰ کیلومتر تعیین و اعلام شده است. از این میزان، ۹۹۲ کیلومتر یعنی از خلیج حسن قلی (در خاور) تا آستارا (در باختر) در قلمرو ایران قرار دارد.

دریای مازندران با پهنه ی کما بیش ۴۲۴ هزار کیلومتر مربع (۸)، بزرگترین دریای بسته جهان است. (۹) پهنه دریای مازندران در اثر افزایش یا کاهش آب این دریا، تغییر می کند. پهنه دریای مازندران در مقایسه با دریاچه های دور و بر آن، بیش از ۶/۵ برابر دریاچه خوارزم و کما بیش ۹۰ برابر دریاچه ارومیه است.

دمای این دریا به طور قابل ملاحظه ای متغیر بوده و بستگی کامل به آب و هوای نواحی اطراف آن دارد. در دی ماه میانگین دمای سطح آب دریای مازندران در شمال این دریا حدود ۱۱ تا ۱۲ درجه زیر صفر است، در حالی که میانگین دمای آب در همان زمان در بخش جنوبی، کما بیش ۶ درجه بالای صفر می باشد.

بندرهای مهم دریای مازندران:

۱. (آستاراخان، آستاراگان، هشترخان)

این بندر در دلتای رود ولگا (اتل)، قرار دارد، بندر آستاراخان، مهم ترین بندر بازرگانی فدراسیون روسیه در دریای مازندران است.

۲. بادکوبه (باکو):

بندر بادکوبه، مرکز جمهوری اران (آذربایجان) است. این بندر در کرانه ی جنوبی شبه جزیره آبخوران واقع است. بادکوبه از عمده ترین بندر های دریای مازندران و یکی از مناطق مهم نفتی است.

۳. دربند:

این بندر عمده ترین بندر جمهوری داغستان به شمار می رود. دربند در کرانه غربی دریای مازندران، میان بادکوبه و ماهاج قلعه (مرکز داغستان)، قرار گرفته است.

۴. آلكساندروسك:

این بندر، مهمترین بندر بازرگانی جمهوری قزاقستان است.

۵. کراسنودسک:

این بندر که در جمهوری ترکمنستان قرار دارد از بندرهای مهم کرانه های خاوری دریای مازندران است.

۶. کوریو:

بندری است در شمال دریای مازندران که در مصب رود اوران و در قلمرو فدراسیون روسیه واقع است.

۷. بندرهای واقع در قلمرو ایران:

مهمترین بندر های واقع در قلمرو ایران در کرانه های دریای مازندران عبارتند از: **انزلی، نوشهر، فریدون کنار، ترکمن و گز.**

باید خاطر نشان کرد که بندر انزلی از مهمترین بندرهای دریای مازندران است.

حوضه آبریز دریای مازندران (کاسپیان)

حوضه آبریز دریای مازندران بسیار پهناور است، به طوری که کمابیش ۲۵۶۰۰۰ کیلومتر مربع آن در خاک ایران قرار دارد. کمابیش ۱۵۰ رود و رگه های آب دهنده به دریای مازندران می ریزند که مهمترین آن ها عبارتند از:

الف) از قلمرو ایران:

اترک، گرگان رود، قره سو، نکا یا تجن، تالار، بابل، هراز، چالوس، چشمه گیله (شهبوار)، پل رود، شلمان رود، لنگرود (چمخاله)، سفید رود، رود پسیخان، ماسوله، آستارا و ارس. رود ارس از "دوه لو" تا "قره نی" مرز دولتی ایران است.

ب: از قلمرو جمهوری اران (آذربایجان):

رودخانه کور یا کوروش. این رودخانه پس از تلاقی با رود ارس در نزدیکی شهر صابر آباد، به دریای مازندران می ریزد. رودخانه کوروش، بزرگترین رودخانه قفقاز است. رودخانه سمور، در مرز اران و داغستان است.

پ: از قلمرو داغستان:

رودخانه سمور (مرز داغستان با اران)، ترکه و کوبا

ت: از قلمرو فدراسیون روسیه:

رود ولگا. این رودخانه به تنهایی ۸۰ درصد همه جریان های سطحی دریای مازندران را تامین می نماید. (۱۰)

ث: از قلمرو جمهوری قزاقستان:

رودخانه اورال و امبا

پوشش گیاهی:

تنها کرانه های جنوبی دریای مازندران دارای پوشش گیاهی انبوه است. در کرانه های باختری این دریا از جنوب به شمال از پوشش گیاهی کاسته می شود، به طوری که شمال منطقه تالش فاقد پوشش گیاهی قابل توجه است. کرانه های شرقی دریای مازندران را خشکستان ها فرا گرفته اند. در شمال نیز کرانه های این دریا فاقد پوشش گیاهی است.

موقعیت تاریخی

تا پیش از ظهور پتر در صحنه سیاسی روسیه (۱۷۵۲-۱۶۸۲ میلادی / ۱۱۰۴-۱۰۶۱ خورشیدی) همیشه دریای مازندران، یک دریای ایرانی بود. بیشترین بخش کناره‌های این دریا، در قلمرو حکومت ایران قرار داشت. مهم‌تر اینکه در این بخش، ایران با مدعی یا مدعیانی روبرو نبود. ایران تا پیش از تاجگذاری پتر، هرگز از سوی دریای مازندران مورد تهدید جدی قرار نگرفته بود.

در این میان گرچه نام اقوام نامتدروس گهگاه بر خامه‌ی تاریخ نگاران و زبان سراینده‌گان این مرز و بوم جاری بود (۱۱). اما این تماس چنان نبود که آنان را به صورت یک همسایه به ما بشناساند.

پادشاهی پتر در روسیه، با دوران حکومت سلطان حسین صفوی (۱۰۷۳ تا ۱۱۰۱/۱۶۹۴ تا ۱۷۲۳ میلادی) در ایران، همزمان بود. پتر با تنظی نوعی راهبرد (تجاوز و توسعه) در پی یورش به سرزمین‌های همسایه و گسترش اراضی برآمد. استراتژی مزبور به منشور یا (وصیعت نامه) پتر مشهور گشت. پتر پس از چند تاخت و تاز در قلمرو عثمانی، متوجه ایران شد. اما، ایران که بارها توانسته بود نیرومندترین امپراتوری جهان یعنی عثمانی را شکست دهد، برای پتر بسیار مهیب می‌نمود. پتر به دنبال گسیل دو فرستاده به دربار اصفهان و به دست آوردن اطلاعات لازم پیرامون اوضاع نا به سامان ایران و یک بررسی همه‌جانبه که بیش از هشت سال به درازا کشید، در ماه مه ۱۷۲۳ میلادی (اردیبهشت ماه ۱۱۰۲ خورشیدی) فرمان تهاجم به سوی سرزمین‌های ایران را صادر کرد. روس‌ها به سرعت دست اندرکار شدند و از راه ولگا خود را به دریای مازندران رسانیده و داغستان را متصرف شدند. سپس متوجه گیلان شدند و شهر رشت را اشغال کردند. نیروهای محلی گیلان به مقابله برخاستند، اما شکست خوردند. روس‌ها که از این پیروزی جری‌تر شده بودند، بادکوبه را نیز تسخیر کردند.

بدین سان، برای اولین بار کشور ایران از سوی دریای مازندران مورد تهدید و هجوم قرار گرفت و در نتیجه حاکمیت بلا معارض ایران در این دریا به مخاطره افتاد.

گرچه جانشینان پتر با یک اخطار ساده‌ی نادر نیروی خود را از گیلان و قفقاز خارج کردند، اما آنان هم چنان به دنبال فرصت برای اجرای منشور پتر بودند. با قتل آغا محمد خان قاجار، در قلعه شیشه [شوشی] در دهم خرداد ماه ۱۱۷۶ خورشیدی (۳۱ مه ۱۷۹۷ میلادی) آخرین مانع در برابر تجاوز و گسترش ارضی روس‌ها از میان رفت.

شش سال پس از قتل (آخرین مرد پیروز ایرانی) دومین فرمان تهاجم به سوی سرزمین‌های ایران صادر شد (دسامبر ۱۸۰۳ میلادی برابر با دی ماه ۱۱۸۲ خورشیدی) بدین سان، نبردهایی در سرزمین قفقاز میان نیروهای متجاوز روس و ایرانیان در گرفت که سیزده سال به درازا کشید. به دنبال اولین بخش از

این نبردها که مدت ۱۰ سال به درازا کشید، قرارداد گلستان بر ملت ایران تحمیل شد (۲۰ مهر ماه ۱۱۹۲ خورشیدی / با ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ میلادی). (۱۲)

بر پایه این قرارداد، ولایت های گنجه، قره باغ [کورا باغ] و خانات شکی، شیروان، قبه، دربند و باکو و هم چنین بخش هایی از تالش و تمام سرزمین داغستان، گرجستان و محال شوره گل، آچوق باشی، گروزیه، منگریل، آبخاز و... از ایران منتزع شد و به حاکمیت ایران در دریای مازندران نیز خدشه وارد آمد، در فصل پنجم این قرارداد می خوانیم:

((... در خصوص کشتی های عسکریه جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یا هر وقت کشتی های جنگی روسیه با علم و بیرق در خزر بوده اند حال نیز محض دوستی اجازه داده می شود که به دستور سابق معمول گردد واحدی از دولت های دیگر سوای دولت روس کشتی های جنگی در دریای خزر نداشته باشد.))

در قرار داد گلستان، هنوز سخن بر پایه ی ((...دوستی محض)) است. اما لحن نوشتار در ننگ نامه ترکمن چای (۱۳) که ۱۲ سال پس از قرارداد گلستان بر ایران تحمیل شد، عوض می شود. نبرد های دوم ایران و روس در چهارم تیر ماه ۱۲۰۵ خورشیدی (۲۵ ژوئن ۱۸۲۶ میلادی) با حرکت ارتش ولیعهد ایران برای آزادسازی مناطق از دست رفته آغاز شد. سر انجام با شکست ایرانیان، در ۲۱ بهمن ماه ۱۲۰۷ خورشیدی (۲۱ فوریه ۱۸۲۸ میلادی / اول اسفند ۱۲۰۶ خورشیدی) ننگ نامه ترکمن چای بر ملت ایران تحمیل شد. بر پایه ی این قرارداد تحمیلی، نه تنها ایالت های نخجوان، ایروان و بخش هایی از تالش از ایران جدا گردید بلکه به حاکمیت ایران در دریای مازندران لطمه بسیار وارد شد. در فصل هشتم قرارداد مزبور، آمده است: **((... اما در باب کشتی چون آنهایی که بیرق نظامی روس دارند از قدیم الایام بالانفراد حق سیر در بحر خزر را داشته اند حال هم بدین سبب امتیاز منحصر به همان کشتی ها خواهد بود. بطوری که غیر از دولت روس دولت دیگری حق نخواهد داشت که سفاین جنگی در دریای خزر داشته باشد.))**

بدین سان با تحمیل قرارداد ترکمن چای، دولت روسیه تزاری حاکمیت بلامنازع نظامی در دریای مازندران را به دست آورد و افزون بر آن، تمام کرانه ی غربی این دریا را نیز متصرف شد. ۳۲ سال پس از تحیل قرارداد ترکمان چای، روس ها دوباره به حرکت درآمدند. این بار سرزمین شمال شرقی ایران را هدف گرفتند. روس ها میان سال های ۱۸۶۰ تا ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۳۹ تا ۱۲۶۰ خورشیدی) بیش ترین بخش های خوارزم و فرارود (ماوراءالنهرین) را اشغال کردند. سرانجام به موجب قرارداد گونه ی "آخال" (۱۴) که میان وزیر امور خارجه و وزیر مختار وقت روسیه در تهران به امضاء رسید، دولت ایران از همه حقوق خود بر سرزمین های خوارزم و فرارود صرف نظر کرد. بدین سان، تمامی کرانه ی خاوری دریای مازندران نیز تحت استیلای روس ها درآمد.

فروپاشی امپراتوری تزار:

در شانزدهم مارس ۱۹۱۷ میلادی (۲۵ اسفند ماه ۱۲۹۵ خورشیدی)، با کناره گیری نیکلای دوم تزار روس و خودداری "گراندوک میشل" برادر وی از قبول تاج و تخت، امپراتوری روسیه از هم پاشید. ایرانیان از فروپاشی حکومت جبار و ستمگر روسیه غرق در سرور و شادمانی شدند. با فروپاشی امپراتوری تزاری، قراردادهای تحمیلی از سوی حکومت مزبور، به خودی خود ملغی الاثر گردیدند. حکومت بلشویکی که جانشین رژیم تزاری شده بود، خوب می دانست که به دلیل رفع ید غاصب، می بایست مورد غصب به صاحب اصلی آن بازگشت داده شود. از این رو بلشویک ها در پی آن بودند که با اعمال فشار بر حکومت ناتوان ایران، ارثیه خونین تزارها را به خود منتقل کنند. به دنبال اشغال شهر رشت از سوی بلشویک ها، دولت ایران به جامعه ملل شکایت برد. جامعه ملل در ۱۶ ژوئن ۱۹۲۰ میلادی (۲۶ خرداد ماه ۱۲۹۹ خورشیدی) به شکایت ایران رسیدگی کرد. در طرح این دعوا، از آن جا که شکایت "بی زوری از زورمندی" بود. تصمیم روشنی اتخاذ نشد.

در بیست سوم آذرماه ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۳ دسامبر ۱۹۲۱ میلادی) مجلس شورای ملی، زیر فشار شدید روس ها که بخش هایی از شمال ایران را تصرف کرده بودند اجازه ی امضاء و مبادله ی اسناد عهدنامه مودت بین دولتین ایران و جمهوری شوروی روسیه را صادر کرد. (۱۵) بر پایه این عهد نامه، آنچه را که حکومت تزاری بر پایه ی تحمیل قرارداد و ننگ نامه های "گلستان و ترکمان چای" و "آخال" از ایران تجزیه کرده بود. به حکومت بلشویکی منتقل گردید. اما حقوق ایران در دریای مازندران تا حدود زیادی ترمیم شد و ایران حقوق برابر با اتحاد شوروی در دریای مازندران به دست آورد.

در این میان، نظری کوتاه به بخش نخست فصل اول عهدنامه مودت بین دولتین ایران و جمهوری شوروی روسیه، بازگو کننده ی بسیاری از حقایق تاریخی است: "دولت شوروی روسیه مطابق بیانیه خود راجع به مبانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرج در مراسلات ۱۴ یانوار (ژانویه) ۱۹۱۸ و ۲۶ ایون (ژوئن) ۱۹۱۹، یک مرتبه دیگر رسماً اعلان می نماید که از سیاست جابرانه ای که دولت های مستعمراتی روسیه که به اراده ی کارگران و دهاتین این مملکت سرنگون شدند نسبت به ایران تعقیب می نمودند قطعاً صرف نظر می نماید.

نظر به آن چه گفته شده و با اشتیاق به این که ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارایی خود تصرفات لازمه را بنماید، دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقالات و قراردادها را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می نمود، ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلام می نماید."

در فصل یازدهم همان عهدنامه که اشاره به مسایل دریای مازندران دارد می خوانیم:

" نظر به این که مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه ، عهدنامه ی منعقدہ در ۱۰ فوریه ۱۹۲۸ مابین ایران و روسیه در ترکمان چای نیز که فصل ۸ آن حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده بود. از درجه اعتبار ساقط است. مع هذا طرفین متعاهدین رضایت می دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو با لسویه حق کشتیرانی آزاد را در زیر بیرق های خود در بحر خزر داشته باشند."

در پنجم فروردین ماه ۱۳۱۹ (۲۵ مارس ۱۹۴۰) قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی میان دولت ایران و اتحاد شوروی بسته شد (۱۶). در این قرارداد ، به حق بهره گیری یکسان و انحصاری دو دولت از دریای مازندران ، چه از نظر کشتی رانی (ماده ۱۳) و چه از نظر استفاده از منابع طبیعی (بند ۴ ماده ۱۲) مقرر می دارد: "هر یک از طرفین متعاهدین ماهی گیری را در سواحل خود در حد ۱۰ میل دریایی (۱۷) به کشتی های خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ می دارند که واردات ماهی های صید شده از طرف کارکنان کشتی هایی که زیر پرچم او سیر می نمایند از تخفیفات و مزایای خاصی بهره مند سازند." افزون بر آن در نامه های پیوست قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی، از دریای مازندران از سوی هر دو دولت به عنوان **دریای ایران و شوروی** نام برده شده است.

بدین سان ، با امضای دو قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ دولت های ایران و شوروی به عنوان شریک متساوی الحقوق در دریای مازندران شناخته شدند.

فروپاشی اتحاد شوروی:

روز سی ام آذر ماه ۱۳۷۰ خورشیدی (۲۱ دسامبر ۱۹۹۱) اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی فروپاشید و در این فرآیند پرچم داس و چکش از فراز کرملین فرود آورده شد.

با فروپاشی نظام اتحاد شوروی، دگرگونی ژرفی در مناطق قفقاز و آسیای میانه پدیدار گردید. در اثر فروپاشی مزبور ، سه جمهوری در منطقه قفقاز و پنج جمهوری بر پهنه آسیای میانه ایجاد شدند. این جمهوری ها بر سرزمین هایی شکل گرفتند که موضوع قراردادهای گلستان ، ترکمان چای و آخال بودند. در این میان ، سه جمهوری از جمهوری های یاد شده، یعنی جمهوری های آذربایجان (اران)، قزاقستان و ترکمنستان ، دارای مرز آبی در دریای مازندران اند. برابر این رخداد عظیم تاریخی که بی شک از مهمترین رویدادهای سده بیستم به شمار می رود و رابطه ی گسست ناپذیر با تاریخ و منافع حیاتی ملت ایران دارد، حکومت جمهوری اسلامی می بایست پی آمد های فروپاشی نظام شوروی را در پرتو قراردادهای یاد شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می داد و موضع دقیق خود را در راستای حفظ منافع و مصالح ملت ایران، اعلام می کرد.

اما برخلاف اصول برخاسته از حفظ منافع و مصالح ملی ، وزارت امور خارجه ی جمهوری اسلامی، برابر فرآیند فروپاشی نظام شوروی و تغییرات عمده ی جغرافیایی (ژئوپلیتیک) منطقه، نه تنها واکنش دقیق و صریحی نشان نداد بلکه با اعلام نظرهای گوناگون از سوی مقام های مختلف، بر سر درگمی سیاست خارجی کشور در این زمینه افزوده شد.

رژیم حقوقی دریای مازندران

در حال حاضر، رژیم حقوقی دریای مازندران (کاسپین) بر پایه قرارداد مودت (۱۹۲۱) و بازرگانی و بحر پیمایی (۱۹۴۰)، میان دولت ایران و اتحاد شوروی استوار است.

چنان که اشاره شد، بر پایه فصل یازدهم قرارداد ۱۹۲۱ و نیز بند ۴ ماده ۱۲ قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی ۱۹۴۰، ایران و اتحاد جماهیر شوروی، از نظر کشتی رانی و بهره برداری از منابع آبیان دریای مازندران دارای حق برابر و مساوی اند. مهم آن که سفیر کبیر دولت اتحاد شوروی در تهران که قرارداد ۱۹۴۰ را از سوی دولت خود امضا کرده است، در روز امضای قرارداد (۵ فروردین ۱۳۱۹/۲۵ مارس ۱۹۴۰) در نامه ای به وزیر امور خارجه ی ایران، با روشنی کامل از دریای مازندران به عنوان دریای ایران و شوروی نام می برد. وی به وزیر امور خارجه ایران می نویسد. (۱۸)

"با نهایت توقیر مراتب زیر را به استحضار آن جناب می رساند: ... نظر به این که دریای خزر که طرفین متعاهدین آن را دریای ایران و شوروی می دانند ..."

در پاسخ وزیر خارجه ی ایران "ماتوی فیلموتو" سفیر کبیر دولت اتحاد شوروی می نویسد (۱۹): "با کمال توقیر وصول نامه به مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ آن جناب را که مضمون ذیل است تایید می نمایم... دریای خزر که طرفین متعاهد آن را دریای ایران و شوروی می دانند..."

ماده ۱۳ قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی میان ایران و شوروی، تصریح می کند:

طرفین متعاهدین بر طبق اصولی که در عهدنامه ی مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۱ بین ایران و جمهوری متحد سوسیالیستی شوروی روسیه اعلام گردیده است، موافقت دارند که در **تمام دریای خزر** کشتی های متعلق به ایران یا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و یا متعلق به اتباع و بنگاه های بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر می نمایند. نمی تواند وجود داشته باشد:

بدین سان، مفاد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و نیز نامه های پیوست قرارداد ۱۹۴۰ روشن می سازد که:

۱- دریای مازندران یک دریای بسته است

۲- این دریا در ید مالکیت و حاکمیت دو دولت ایران و شوروی قرار دارد.

۳- از آنجا که تحدید حدودی در دریای مزبور میان ایران و شوروی به عمل نیامده است، مالکیت

و حاکمیت دو دولت بر این دریا به گونه مشاع است.

برای تاکید بر این امر که دریای مازندران یک دریای بسته است، تبصره ماده دوم قانون راجع به اکتشافات و بهره برداری از منابع طبیعی فلات قاره ی (۲۰) ایران مصوب بیست هشتم خرداد ماه ۱۳۳۴،

تصریح شده است: "در مورد بحر خزر مبنای عمل طبق اصول حقوقی بین المللی مربوط به دریای بسته بوده و می باشد." (۲۱)

جغرافیای نوین بر خورد:

بر خلاف سده ی بیستم که جغرافیای برخورد بر پایه ی جهان بینی (ایدئولوژی) قرار داشت، در سده ی بیست یکم جغرافیای برخورد بر پایه ی منابع قرار دارد. اهمیت منابع ، گستره ی برخورد را تعیین می کند. در این میان، مهمترین عاملی که مرزهای جغرافیایی نوین برخورد را در جهان تعیین می کند، نفت و گاز است. قطع این مواد، دارای پی آمدهای مرگ بار برای کاربران آن و به ویژه جهان صنعتی غرب است. از این رو، تضمین جریان آزاد آن مساله ی مهم و امری حیاتی است.

با در نظر گرفتن این نکته که مصرف جهانی انرژی سالانه دو درصد افزایش می یابد، رقابت برای دست یابی به ذخیره های عظیم انرژی در سال های آینده شدیدتر خواهد شد. شورای امنیت ملی آمریکا در گزارش سالانه ی خود پیرامون سیاست امنیتی در سال ۱۹۹۹ میلادی (۱۳۷۸ خورشیدی) نوشت: "برای آمریکا اطمینان از دست یابی به نفت وارداتی هم چنان حیاتی خواهد بود، بنابراین ما باید توجه خود را به ثبات در مناطق تولیدی کلیدی ادامه داده تا اطمینان یابیم که دسترسی و جریان آزاد این منابع تضمین گردیده است." (۲۲)

جغرافیای نوین برخورد (۲۳) که با جغرافیای نفت، هم خوانی کامل دارد، مناطق زیر را در بر می گیرد: خلیج فارس، دریای مازندران، آسیای میانه، دریای چین. با هر اندازه دانش کم، در می یابیم که ایران در دل جغرافیای نفت قرار دارد. حضور در این پهنه نمایان گر اهمیت کشورها و سرزمین هاست و از سوی دیگر قرار گرفتن در مرکز تنش ها و کشمکش هاست. بدین سان ، ایران بار دیگر در موقعیت ((**دل جهان**)) قرار گرفته است. ایران، در شمال خلیج فارس، جنوب دریای مازندران و غرب آسیای میانه قرار دارد. مناطق یاد شده و دریای چین (با اهمیت کمتر و شاید مدعیان بیش تر)، پهنه اصلی جغرافیای نفت را تشکیل می دهند.

آیا عظمت زمان و موقعیت ایران را درک می کنیم و توان آن را داریم که به درستی ایران را در جایگاه ((**دل جهان**)) قرار دهیم؟ با هزار افسوس باید گفت که قراین و نشانه ها، خلاف این امر را نشان می دهند.

فشرده گفتار

نخست - رژیم حقوقی دریای مازندران (کاسپیان)، بر پایه قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی استوار است.

دوم - بر پایه قرارداد های مزبور، دو طرف دارای حاکمیت و مالکیت متساوی (۵۰-۵۰) بر این دریا هستند.

سوم - از آن جا که هیچ گونه تحدید حدود میان ایران و اتحاد شوروی در دریای مازندران به عمل نیامده است، مالکیت و حاکمیت متساوی دو طرف به صورت مشاع می باشد.

چهارم - بر پایه اصول شناخته شده ملی و بین المللی، مالکیت و حاکمیت بر یک پهنه (اعم از آبی یا خاکی)، در حکم مالکیت و حاکمیت بر فضای بالا و ژرفای آن پهنه می باشد، مگر آن که استثناء یا محدودیت هایی اعلام شده باشد.

در دو قرارداد مزبور، جز در مورد آب های ساحلی دو طرف (بند ۴ ماده ۱۲ قرارداد ۱۹۴۰)، استثناء و یا محدودیت دیگری به چشم نمی خورد. از این رو، مالکیت و حاکمیت ملت و دولت ایران بر نیمی از دریای مازندران، شامل فضای بالا و بستر و زیر بستر این دریا را نیز می باشد.

پنجم - در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱ میلادی) اتحاد شوروی فروپاشید. در این فرآیند ۱۵ واحد سیاسی بر پهنه اتحاد مزبور سربر آوردند که چهار واحد آن (جمهوری های فدراسیون روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان (اران)) در کنار دریای مازندران قرار دارند.

ششم - همه واحدهای ایجاد شده بر پهنه اتحاد جماهیر شوروی از جمله جمهوری های فدراسیون روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان (اران)، بر پایه توافق های مینسک و آلماتی، اعلام کردند که به عنوان میراث خواران اتحاد شوروی، همه معاهدات و تعهدات اتحاد مزبور را به رسمیت شناخته و محترم می دارند.

هفتم - بدین سان میراث خواران اتحاد شوروی، پیش از هر گفتگو با ایران می بایست نخست بر سر تقسیم ماترک اتحاد شوروی که عبارت است از ۵۰ درصد دریای مازندران به چانه زنی، گفتگو و تفاهم یا نزاع و ستیز میان خود برخیزند.

هشتم - توافق چهار واحد سیاسی فدراسیون روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، آذربایجان (اران) بر سر مرده ریگ اتحاد شوروی در دریای مازندران که نیمی از آن را در بر می گیرد، راه را برای گفتگو بر سر تعیین رژیم نوین حقوقی دریای مازندران، با دولت ایران می گشاید.

نهم - تجزیه احتمالی هر یک از واحدهای سیاسی مزبور (اران، فدراسیون روسیه، قزاقستان و ترکمنستان) و سر بر آوردن واحدهای سیاسی نوین در کرانه ی دریای مازندران، اثری بر حق السهم ایران در این دریا ندارد. واحدهای حاصل از تجزیه ، تنها دارایی ها و بدهی های واحد اصلی را به ارث می برند.

بدین سان ، حقوق تاریخی و قانونی ملت ایران بر پایه قرارداد های موجود میان ایران و اتحاد شوروی، روشن و مسجل و مسلم است.

هیچ کس و هیچ مقام نمی تواند و اجازه ندارد که از سوی ملت ایران قراردادی را امضا کند که کوچک ترین خدشه بر منافع و مصالح ملت ایران در دریای مازندران وارد کند. از آن جا که تحدید حدود میان ایران و اتحاد شوروی در دریای مازندران به عمل نیامده است، پذیرش سهم کم تر از ۵۰ درصد، در حکم تجزیه ایران است.

پی نوشته ها :

۱- بنا بر نوشته هرودوت (کاسپی ها) در شهرب نشین (= ساتراپی) های یازدهم و پانزدهم ایران عصر هخامنشی سکونت داشتند. محققان محل این شهرب نشین را جنوب و جنوب غربی دریای کاسپین نوشته اند. استرابون ضمن آن که کاسپی ها را ساحل نشینان دریای شمال ایران می داند و تصریح می کند که این دریا نام خود را از آن قوم گرفته است، دیگر ساحل نشینان دریای کاسپیان را از شرق به غرب بدین ترتیب نام می برد: هیرکانیان ، آماردها ، کادوسیان ، آلبان ها، کاسپیان، اوتیان و اسکیت های سکایی. بسیاری از محققان کدوسیان (تالش ها) و آلبان ها (ارانی ها) را بخشی از کاسپین ها می دانند.

۲- درباره کاسپیان و دریای کاسپیان - دکتر عنایت الله رضا - مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز - سال اول شماره اول صفحه ۱۵۲

۳- همان

۴- ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، دکتر عنایت الله رضا ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - زیر نویس صفحه ۱۷۰ به نقل از دایرالمعارف بزرگ شوروی

۵- همان کتاب بخش دهم ، هجوم مشترک ترکان ، خزران و رومیان به ایران در روزگار خسرو دوم (پرویز) صفحه ۱۶۴ تا ۱۷۷

- ۶- مروج الذهب - مسعودی ، شرکت انتشارات علی و فرهنگی - جلد اول صفحه ۱۸۰
- ۷- به گذرگاه دربند دروازه کاسپیان نیز می گویند.
- ۸- جغرافیای مفصل ایران- دکتر ربیع بدیعی - انتشارات اقبال - چاپ نخست بهار ۱۳۷۰
- ۹- Der Neue Brockhaus Lexikon Und Woerterbuch , Berlin ,3.Bond
(Kaspisches meer)
- ۱۰- جغرافیای مفصل ایران
- ۱۱- نظامی گنجوی شاعر بلند آوازه ی ایران، اشاراتی به اقوام وحشی رو و قتل و غارت آنان دارد.
- ۱۲- برای آگاهی از متن کامل قرارداد گلستان مراجعه فرمایید به: دکتر ه. خشایار- تزارها و تزارها - انتشارات آرمان خواه- تهران اسفند ۱۳۵۹
- اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز - انتشارات وزارت امور خارجه - چاپ نخست تهران ۱۳۷۲
- ۲۱ فوریه ۱۸۲۸ به تاریخ میلادی ، برابر با ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ به تاریخ بولیان روسی
- ۱۳- برای آگاهی از متن کامل ننگ نامه ی گلستان مراجعه کنید به: همان
- ۱۴- برای آگاهی از متن کامل قرارداد آخال مراجعه فرمایید به:
- محمود محمود - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی - انتشارات اقبال - چاپ دوم - تهران ۴۱-۱۳۴۰
- اسنادی از روابط ایران با آسیای مرکزی - انتشارات وزارت امور خارجه - چاپ نخست ، تهران ۱۳۷۲
- ۱۵- برای آگاهی از متن کامل قرار داد ۱۹۲۱ ، نگاه کنید به: تزارها و تزارها.
- ۱۶- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۹ - چاپ روزنامه رسمی - از ص ۱ به بعد.
- ۱۷- سومین کنفرانس ملل متحد در زمینه حقوق دریاها درباره ی پهنای آب های ساحلی یا دریای سرزمینی به توافق دست یافت. بر پایه ی ماده ۳ قرارداد ۱۹۸۲ حقوق دریاها، پهنای دریای سرزمینی حداکثر ۱۲ میل دریایی (برابر با ۲۲/۲۲ کیلومتر) تعیین گردید.
- ۱۸- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۹
- ۱۹- همان
- ۲۰- ماده ۱ قرارداد ۲۹ آوریل ۱۹۵۸ (۱۳۳۷) ژنو، درباره ی فلات قاره می گوید: (بستر و زیر بستر مناطق زیر دریای مجاور در سواحل ... تا جایی که عمق آب های فوقانی امکان بهره برداری از منابع طبیعی مناطق مزبور را بدهد و هم چنین کف دریا و یا زیر کف دریای مجاور در سواحل ، جزایر فلات قاره محسوب می شود.)
- ۲۱- مجموعه قوانین سال ۱۳۳۴ - ص ۲۲۵

۲۲- Michael T. Klare - مجله سیاست خارجی Foreign Affairs - مه- ژوئن ۲۰۰۱
۲۳- رویداد ۱۱ سپتامبر، آغاز اجرای برنامه ی ((جغرافیای نفت)) - دکتر هوشنگ طالع - کچله
گزارش، شماره ۱۲۷- مهر ۱۳۸۰

تبیہ و تنظیم: جوانان پان ایرانیست کرمان

نشانی تارنما: WWW.Panskeper.bogfa.com

نشانی رایانامه: Panskeper@Yahoo.com